طنزنویس باید باهوش باشد



محمدعلی علومی در گفت‌وگو با ایسنا درباره تأثیر فضای مجازی بر طنز گفت: نوشته‌های منتشرنشده‌ای را که دوستان به من دادند تا نظر بدهم، دیده‌ام؛ آنها از کلیپ‌های کوتاهی که دست‌به‌دست می‌شود یا انیمیشن‌ها خیلی تأثیر گرفته‌اند درحالی که اینها خلاقیت نیست. طنزنویس باید خیلی رند و تیزهوش باشد. طنز همان داستان‌نویسی به اضافه توانایی ایجاد خنده در مخاطب است حتی اگر تبسم درونی باشد.

ابوریحان بیرونی در فهرست یونسکو



در جلسه ۱۱نوامبر۲۰۲۱ کمیسیون اولویت یونسکو مستقر در کنفرانس عمومی این سازمان، «هزار و پنجاهمین سال تولد ابوریحان بیرونی» به‌طور مشترک بین جمهوری اسلامی ایران با ازبکستان و تاجیکستان با تصویب اعضا در فهرست جهانی نکوداشت‌های یونسکو برای بازه ۲۰۲۳-۲۰۲۲ قرار گرفت تا تعداد نکوداشت‌های ثبت‌شده از مشاهیر ایرانی در فهرست یونسکو به ۴۲ مورد برسد.



اثری از مریم ذوالقدر

البته ایران ظرفیت و پتانسیل بالایی برای مطرح کردن این رشته در مجامع جهانی و بین‌المللی دارد. اما در عمل هنوز ثابت نشده است. به‌ویژه در این سال‌ها جوانان زیاد با انگیزه بالا به این هنر ورود پیدا کردند و لازم است انگیزه آنها حفظ شود تا دلسرد و سرخورده نشوند. به نظر من باید مسوولان برگزاری دوسالانه خوشنویسی و نفرات برتر این جشنواره به جوان‌هایی که در صف عقب هستند، کمک کنند تا آنها هم خودشان را بالا بکشند.



مریم ذوالقدر که مدیریت یک آموزشگاه خوشنویسی در زیباشهر را به‌عهده دارد و مدرس فعال انجمن خوشنویسان زیباشهر و الوند است، در ادامه این گفت‌وگو می‌گوید: هنرمندان این رشته ابتدا باید شناخته شوند و سپس به امنیت خاطر در حوزه مالی برسند و در جهت خرید آثارشان حمایت شوند. انجمن خوشنویسان قدم‌های خوبی به‌ویژه در زمینه میزبانی برگزاری دوسالانه‌های خوشنویسی برداشته است. اما نباید این انجمن فقط به تولید و پرورش هنرمند فکر کند، بلکه باید واحد فروش هم داشته باشد و از افراد متخصص در زمینه فروش استفاده شود و سرمایه‌داران هم وارد کار شوند تا آثار هنرمندان خوشنویس، به‌ویژه آثار برتر و برگزیده دوسالانه‌ها به صورت تخصصی به فروش برسند. اما هنوز هیچ اتفاقی در زمینه فروش نیفتاده است.

این بانوی هنرمند تاکید می‌کند: متأسفانه به قطعه هنرمندان ما هم که افراد صاحب هنر به خاک سپرده شده‌اند، اصلا پرداخته نشده است. افراد زیادی که از این محل گذر می‌کنند اصلا نمی‌دانند چه کسانی در این قطعه هستند. ما در این قطعه، استاد محصص، بنیانگذار انجمن خوشنویسان قزوین را داریم. استادی که در عصر معاصر، هنر خوشنویسی را در قزوین احیا کرد. کاش یک تابلوی خوشنویسی یا تندیسی از ایشان در این قطعه نصب می‌شد تا هم مردم بیشتر با این قطعه هنرمندان آشنا شوند و هم تفاوت هنر خوشنویسی در قزوین به طور محسوس احساس شود. ایشان استاد من بودند. خیلی دلسوزانه و پدرانه استعداد و علاقه هنرجوها را پرورش می‌دادند. ولی در این قطعه اصلا به شخصیت ایشان پرداخته نشده است.

ذوالقدر در انتها یادآوری می‌کند ارزشگذاری پایین در هنر خوشنویسی باعث می‌شود هنرمندان این رشته به‌خوبی به هنرشان نرسند و مردم هم تحت تاثیر آن، ارزش خیلی بالایی برای این هنر قائل نشوند.

خوشنویسی
ش هنرمند فکر نکند

...در از بانوان هنرمند و فعال در زمینه ...و نفرات اول دوسالانه خوشنویسی کشور ...کسته نستعلیق در مصاحبه با خبرنگار ما ...هد: متولد سال ۵۶ هستم و از سال ۷۵ در ...ویسی فعالیت می‌کنم. واقعیت این است ...بخواهد به این رشته به صورت حرفه‌ای ...از طرف خانواده مورد پشتوانه مالی قرار بگیرد. در حالی که هنرمندان این رشته کمتر از دیگر اقشار شاغل جامعه فعالیت نمی‌کنند. وقتی سال‌ها برای این هنر وقت می‌گذارند، چطوری باید تامین شوند. آیا این هنر صرفا با عشق و علاقه می‌تواند جلو برود. البته هنرمندان ما در حال حاضر با عشق و علاقه جلو می‌روند، ولی پشتوانه مالی و امنیت خاطر در حوزه مالی لازم است. وی با بیان این‌که رشته خوشنویسی به خلوت، تمرکز و انرژی احتیاج دارد، اضافه می‌کند: مسوولان می‌گویند هنر خوشنویسی، تاجی بر سر هنرهای ایرانی است و

شهرداری تهران به دنبال طرح جامع «مکان رویداد» با استفاده از ظرفیت‌های فرهنگی اجتماعی

فاصله خانه نیما تا جلال گذر فرهنگی می‌شود

گروه فرهنگ‌وهنر

آنهایی که درباره چهره‌های برجسته ادبیات معاصر اطلاعاتی دارند، می‌دانند یکی از صیمیمی‌ترین و عاطفی‌ترین روابط میان ادبای هم‌روزگار ما، رابطه‌ای است که میان دو خانواده نامدار در شعر و داستان برقرار بوده است. خانواده آقای اسفندیاری و آقای آل‌احمد در محله دزاشیب تهران.

آقای اسفندیاری یا همان نیما یوشیج در آن سال‌های سخت به‌شدت تحت فشار از دو سو بود، یکی از جانب سنت‌گرایان و مدافعان شعر موزون و مقفا که از جسارت نیما به عادت‌های زبانی و ذهنی‌شان خشمگین بودند و دیگری از جانب سیاستمداران حزبی که می‌خواستند نیما را به عنوان یک چهره برجسته روشنفکری آن روزگار زیر پرچم خود بیاورند. در آن سال‌ها، نیما یک مدافع جدی و محکم داشت، جلال آل‌احمد و البته همسرش سیمین دانشور. جلال در محافل روشنفکری و دانشجویی از نیما دفاع می‌کرد، اما رابطه میان این دو خانواده نامدار به مسائل ادبی و هنری محدود نمی‌شد. میان خانواده‌ها پیوند و علاقه‌ای از جنس همسایگی‌های قدیمی و البته شکلی از محبت جوان‌ترها به پیرترها دیده می‌شود. هرکس مقاله جلال را درباره مرگ نیما بخواند، می‌فهمد که این رابطه از چه جنس بوده است. جلال در آن مقاله که عنوانش «پیرمرد چشم ما بود» درباره زندگی و سرسختی‌های نیما می‌گوید و پایان‌بندی مقاله که با توصیف چهره شاعر که در خواب ابدی فرورفته است، بسیار تکان‌دهنده است، به‌خصوص آنجا که جلال می‌گوید بر سر پیکر نیما تفألی به قرآن کریم می‌زند و این آیه می‌آید که: «والصافات صفا...»



دیروز خانه نیما یوشیج با حضور جمعی از مقامات شهرداری تهران پس از مرمت افتتاح شد

حالا خبری در سایت شهر به نقل از معاون فرهنگی و طراحی شهری سازمان زیبا سازی شهرداری تهران، منتشر شده که برمبنای آن سازمان زیباسازی شهرداری، طرحی را در قالب طرح جامع مکان رویداد با استفاده از ظرفیت‌های فرهنگی- اجتماعی پایتخت در دست اقدام دارد.

شاپور دیوسالار خبر داده است که شهرداری تصمیم دارد حد فاصل خانه نیما یوشیج تا خانه جلال آل‌احمد و سیمین دانشور که در فاصله ۲۵۰متری از یکدیگر قرار دارد، به گذر فرهنگی تبدیل کند و دلیل این امر نیز قرار گرفتن این دو ملک در نزدیکی هم و ارتباط نزدیک نیما و جلال در دوران حیات است.

وی با اشاره به طرح احداث قدمگاه صالحیه در منطقه یک تهران گفت: «اگر بتوانیم ارتباطی بین دو رویداد فرهنگی قدمگاه صالحیه و خانه نیما و جلال ایجاد کنیم، به نوعی می‌توان گفت به سیاست سازمان زیباسازی در ایجاد نقاط فرهنگی و مکان رویداد نزدیک شده‌ایم.»

او در تشریح روند بازسازی خانه نیما یوشیج، گفت: «سازمان زیباسازی از خانه نیما یوشیج ملکی به‌مانند ویرانه‌ای تحویل گرفت که به محل پاتوق معتادان تبدیل و بنای ساختمان در حال آوار شدن بود.»

معاون فرهنگی و طراحی شهری سازمان زیباسازی شهرداری تهران افزود: «در اولین گام از روند بازسازی، خانه نیما در سال ۹۸، تملک و طرح مرمت و بازسازی این ملک در دستور کار معاونت فنی سازمان زیباسازی قرار گرفت و در اولین گام، اقدام‌های اضطراری لازم برای خانه نیما انجام شد.»

دیوسالار ادامه داد: «از سوی مشاور، طرح کامل مرمت و بازسازی به شکل خانه موزه فعال تهیه شد تا از این طریق بتوان از خانه نیما یوشیج با استفاده از مواردی چون خانه شعر بهره برد.»

وی افزود: «یکی از موضوعات در افتتاح خانه نیما توجه به شکل بهره‌برداری این مکان است، زیرا اختلاف نظرهایی در این بخش وجود دارد که امیدواریم ظرف مدت یک هفته شکل بهره‌برداری از خانه نیما نیز به سرانجام برسد.

معاون فرهنگی و طراحی شهری سازمان زیباسازی شهرداری تهران در پاسخ به این پرسش که پیشنهاد شهرداری تهران برای نحوه بهره‌برداری از خانه نیما یوشیج به چه شکل است، گفت: «باتوجه به هزینه‌های انجام‌شده در این بخش، پیشنهاد ما واگذاری بهره‌برداری خانه نیما به بخش خصوصی است.»

معاون فرهنگی و طراحی شهری سازمان زیباسازی شهرداری تهران در پاسخ به این سوال که هزینه مرمت و بازسازی خانه نیما یوشیج چه مبلغی است، گفت: «مرمت و بازسازی خانه نیما برای مدیریت شهری رقمی بالغ بر ۴/۵ میلیارد تومان هزینه داشته است.»

دیوسالار در تشریح دیگر طرح‌های در دست اجرای مدیریت شهری که مراحل پایانی خود را سپری می‌کند، بیان کرد: «چند طرح نیمه‌کاره در دستور مدیریت شهری است که یکی از آنها پیاده‌راه شهریار و پهنه فرهنگی رودکی است.»

در همین حال دیروز خانه نیما یوشیج با حضور جمعی از مقامات شهرداری تهران پس از مرمت افتتاح شد.

روی دیوار

مروری بر ۴۰ سال طرح جلد کتاب

همان‌طور که می‌دانید در آستانه هفته کتاب و کتابخوانی هستیم و رویدادهای هنری و فرهنگی به این مناسبت در سطح کشور برگزار می‌شود که یکی از آنها نمایشگاه «زیر روی جلد» است که میزبان بازدیدکنندگان است.

در این نمایشگاه، طرح جلد بیش از ۳۵۰کتاب در معرض دید علاقه‌مندان به کارهای طراحی قرار گرفت و گویا این نمایشگاه که تا پنجشنبه ۲۷آبان ماه ادامه دارد، در همین روزهای نخست برگزاری، با استقبال خوب مخاطبان و هنرمندان فعال در این حوزه مواجه شده‌است.



در معرفی نمایشگاه، آمده‌است: «جهان مکتوب بر ستون تنومند کتاب بنا شده‌است. کتاب صرفا متن نیست؛ متن و فرامتنی است که خیال را با واقعیت، واقعیت را با تجربه و تجربه را با اندیشه پیوند می‌زند و قرن‌ها تکریم کتاب به اقتضای کارکردش، در جلدسازی تبلور می‌یافت. از پوستین‌های شکار تا چرم‌های صنعتی حفاظی بودند بر این شیء قدسی. اگر تاریخ کتابت اندکی کوتاه‌تر از تاریخ زیست است. ماندگاری کتاب در محیط بشر، جایگاهش را آشکار می‌کند، پس بخشی از تاریخ بشر را از تاریخ کتاب می‌توان خواند. تحولات چاپ هم کتاب را متحول کرد و هم جلدش را، تحولات صنعتی کتاب را به انبوه رساند و جلد را به تنوع.

زیر روی جلد رویه‌ای دارد از جلد کتاب‌های حوزه هنری و انتشارات سوره مهر در بیش از چهار دهه و لایه‌ای زیرین از تحولات چهل سال گذشته. جلدها گرچه نمایی از کل نشر ایران نیست. اما اگر به فروتنی نگوییم مهم‌ترین، به واقع یکی از مهم‌ترین مراکز نشر کتاب را بازنمایی می‌کند. جلدهایی که پس از انقلابی عظیم عرضه شدند و از دل دفاع مقدس عبور کردند و دوره‌های متنوعی را پشت‌سر گذاشتند تا به امروز که پا به قرنی جدید می‌گذارند. نمایشگاه زیر روی جلد دعوت به تماشاست؛ تماشای زیر و روی جلد و آنچه فراتر از آن می‌توان دید.»

این نمایشگاه همه روزه در در گالری خانه عکاسان حوزه هنری در خیابان سمیه، جنب حوزه هنری از ساعت ۱۵ تا ۱۷ میزبان بازدیدکنندگان است.

نمایشگاهی از آثار چاپ دستی



چاپ دستی که با نام‌های چاپ هنری و گراورسازی نیز شناخته می‌شود، شاخه‌ای از هنرهای تجسمی است که در آن اثر هنری از طریق چاپ تصویر روی یک سطح، عموما کاغذ یا گاهی پارچه، چرم، پلاستیک و سطوح دیگر، توسط هنرمند خلق می‌گردد.

این روزها، نمایشگاهی گروهی با عنوان «چاپ دستی هنرمندان معاصر» در تهران برپاست که آثار برخی از هنرمندان بنام این عرصه را در برابر چشم علاقه‌مندان قرار داده است.

در این نمایشگاه که در گالری بهارین برگزار شده‌است، آثاری از رضا بانگیز، مهرداد ختایی، جلال‌الدین سلطان کاشفی، همایون سلیمی، بهزاد شیشه‌گران، کوروش شیشه‌گران، کیوان عسگری، احمد وکیلی، پروین هانی‌طبایی و رضا هدایت روی دیوار رفته است.

علاقه‌مندان می‌توانند تا روز چهارشنبه همین هفته از ساعات ۱۶ و ۳۰ دقیقه تا ۱۹ و ۳۰ دقیقه همه روزه به‌جز پنجشنبه‌ها با مراجعه به گالری بهارین واقع در تهران، خیابان کریم‌خان، خیابان حافظ، نرسیده به پل حافظ، نبش ورشو، جنب داروخانه متروپل، ساختمان ۵۰۹، طبقه اول، واحد ۳ از این نمایشگاه و آثار چاپ دستی هنرمندان بازدید کنند.

چندنما از مستند «دو سر برد، دو سر باخت»



قهرمان افتاده و با وجود موج استقبال داخلی (و البته کم و بیش به همان اندازه مخالفت)، بیشتر فیلمی باب طبع جشنواره‌ها و جایزه‌های سینمایی خارج از کشور است تا احیانا خوانش‌های دیگری از وضعیت قهرمان ایرانی داشته باشند.

عرق ملی و فضای باستانی

یکی دیگر از نکته‌های عجیب دیگر که بر شباهت دو فیلم می‌افزاید، عنوان شدن بحث ملی است. البته باز هم بهره‌برداری نعل به نعل نیست و این مورد کاملا به هوشمندی فرهادی برمی‌گردد که از برخی جملات و تصاویر ظاهرا ساده که شاید چندان هم مدنظر کارگردان مستند نبوده، خوانشی درخشان دارد. اما به هرحال پایگاه این بهره‌مندی در خود مستند است. محمدرضا در جایی از مستند می‌گوید: «اون روز عرق ملی بودنم، ایرانی بودنم بهم گفت این کار (بازگرداندن پول به صاحبش) رو بکن ولی اگه الان پیدا کنم، نمی‌کنم این کار رو، چون خودم واقعا نیاز دارم.» بعدا هم در صحنه‌ای، محمدرضا را در مکانی می‌بینیم که نشانه‌هایی باستانی و تاریخی دارد.

در پایان فیلم هم محل زندگی زنی که ظاهرا صاحب پول است، منطقه‌ای باستانی و پر از اشیای عتیقه است. فرهادی چطور از مجموع اینها در قهرمان استفاده کرده است؟ حضور رحیم اوایل فیلم در منطقه باستانی نقش رستم که قهرمان را مستعد ارجاعات و تاویل‌های فرامتنی بسیاری درباره ایران می‌کند.

بحث مجهول بودن هویت زن صاحب پول در قهرمان هم کاملا متاثر از مستند دو سر برد، دو سر باخت است. در مستند البته اسم زن مطرح می‌شود، زهرا یعقوبی و خود محمدرضا هم او را می‌بیند و پول را به او برمی‌گرداند، اما در پایان و با این‌که کارگردان و گروه سازنده با سختی فراوان، زن و همسرش را در منطقه‌ای دورافتاده در کازرون می‌بینند، آنها زیر بار ماجرای پول نمی‌روند و انکار می‌کنند. البته همسر زن، شاید به شوخی بحث احراز هویتی خودشان را برای دریافت پول مطرح می‌کنند، یعنی همان اشتباهی که رحیم و در واقع خواهرش موقع تحویل سکه مرتکب شد و سهم مهمی در گرفتاری‌های بعدی رحیم داشت.

باز یکی دیگر از نکات قابل اشاره مستند، حضور گروه سازنده در روز عاشورا برای یافتن زن صاحب پول است. مشاهده یک گروه تعزیه، باز هم ربط مستقیمی به قهرمان ندارد اما اگر بدانیم فرهادی از بازیگر تعزیه شیراز و نقش شمر، علیرضا جهاندیده برای بازی در نقش حسین، شوهرخواهر رحیم در قهرمان استفاده کرده، ماجرا وارد فاز جالبی می‌شود.

تفاوت‌های قهرمان با مستند

فیلم قهرمان فرهادی البته چیزهایی کاملا مختص به خود دارد، به‌ویژه حضور فرخنده به عنوان عشق زندگی رحیم که عاشقانه برای رهایی کسی که دوست دارد به آب و آتش می‌زند. همچنین حضور شخصیت خواهر و شوهرخواهر در فیلم قهرمان هم که نقش مهمی در قصه دارند، در واقعیت وجود ندارد. و ذکر این نکته مهم این‌که با همه قوت مستند، آنچه حالا باعث طرح و احتمالا دیده شدن آن شده، نام و اعتبار و موفقیت فیلم قهرمان است.